سرِ مقاله

بسم الله الرحمن الرحیم

۱. هر گفتاری در باب قرآن، طبعاً با تذکّری به عظمت این کتاب سترگ الهی آغاز می‌شود؛ از باب نمونه کلام گرانسنگ امام امیرالمؤمنین علیه‌السلام:

«آمِرٌ زَاجِرٌ وَ صَامِتٌ نَاطِقٌ، حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ، أَخَذَ عَلَيْهِ مِيثَاقَهُمْ وَ ارْتَهَنَ عَلَيْهِمْ أَنْفُسَهُمْ، أَتَمَّ نُورَهُ وَ أَكْمَلَ بِهِ دِينَهُ، وَ قَبَضَ نَبِيَّهُ صلی الله علیه و آله وَ قَدْ فَرَغَ إِلَى الْخَلْقِ مِنْ أَحْكَامِ الْهُدَى بِهِ.» (نهج البلاغه، خطبه ۱۸۸)

قرآن حجّت خداست بر آفریدگانش که بدان پیمان از آنها می‌ستاند، نورش را به سبب آن تمامی دارد و دینش را بدان کامل می‌سازد.

پس ما، نه با کتابی عادّی، بل با نور درخشندهٔ الهی روبروییم؛ نوری تابان در ظلمت زمین و زمان ...

۲. هر چه سرمایه‌ای بزرگتر باشد، حفظ آن ضرورتر می‌نماید و شناسایی آسیب‌هایی که در راه حفظ آن پیش می‌آید، نیز به همان میزان ضرورتر. آنگاه مراقبت از این سرمایهٔ گرامند مهمتر و لازمتر می‌شود. بر سر راه کالای کم ارج، ضرر و خطری نیست، زیرا که قدر و قیمتی ندارد.

ابلیس که قطع شاهرگ حیات خود را در توجّه مردمان به دو یادگار ماندگار پیامبر رحمت (کتاب و عترت) می‌بیند، سوگند یاد کرده که بر صراط مستقیم بنشیند و شرنگ ضلالت را در کام جان مردم بنشاند:

«لأقعدنّ لهم صراطک المستقیم ثمّ لآتینّهم من بین أیدیهم و من خلفهم و عن أیمانهم و عن

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.15.58.1.8]

شمائلهم ...» (اعراف / ۱۶ و ۱۷)

۳. خطرها بر سر راه استفاده از این نعمت بیمانند الهی است؛ از ناسپاسی و قدرناشناسی یا کژشناسی، بهره نگرفتن یا سوء استفاده، بی‌توجّهی یا برخورد منافقانه با آن ...

و این همه تحت یک عنوان کلّی جای می‌گیرد که نگرانی رسول رحمت را نشان می‌دهد؛ همان نگرانی که جان آن جان جهان را می‌آزارَد و به درگاه خدایش عرضه می‌دارد:

«و قال الرسول یا ربّ إنّ قومی اتّخذوا هذا القرآن مهجورا.» (فرقان / ۳۰)

در باغ دلاویز گلستان کتابش
عطری است که در نافهٔ آهوی خُتَن نیست
در گلشن آیات هدایت نظری کن
شوری است که در بلبل این سرو و چمن نیست
مهجوری قرآن ز مسلمان! چه بلایی است؟
دردی است گران‌سنگ؛ که شأن تو و من نیست
از بَهرِ کِه خوانم سخن از قهر محمد صلی الله علیه و آله؟
در شهر غریبی که در او فهم سخن نیست![1]

٤. نگرانی‌های پیامبر رحمت و معلّم امّت را، راویان راست گفتار نیز روایت کرده‌اند:

إِنِّی أَخَافُ عَلَیْکُمْ اسْتِخْفَافاً بِالدِّینِ وَ مَنْعَ الْحُکْمِ، وَ قَطِیعَةَ الرَّحِمِ، وَ أَنْ تَتَّخِذُوا الْقُرْآنَ مَزَامِیرَ، یُقَدِّمُونَ أَحَدَهُمْ وَ لَیْسَ بِأَفْضَلِهِمْ فِی الدِّین. (صحیفة الامام الرضا علیه السلام ص ۷۸ حدیث ۱۶۱)

این نگرانی‌ها در مورد سوء رفتار گروهی است که خود را امّت اسلام می‌داند نه آنان که ادعای کفر دارند.

۵. در کلمات نورانیِ امامان معصوم که کتاب اللّه الناطق اند نیز چنین دغدغه‌ای می‌بینیم:

امام امیرالمؤمنین سلام اللّه علیه: «إِلَی اللَّهِ أَشْکُو مِنْ مَعْشَرٍ یَعِیشُونَ جُهَّالًا وَ یَمُوتُونَ ضُلَّالًا،

۱. بیتهایی از شعر شاعر معاصر رضا نباتی با تلخیص.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.15.58.1.8]

لَيْسَ فِيهِمْ سِلْعَةٌ أَبْوَرُ مِنَ الْكِتَابِ إِذَا تُلِيَ حَقَّ تِلَاوَتِهِ، وَ لَا سِلْعَةٌ أَنْفَقُ بَيْعاً وَ لَا أَغْلَى ثَمَناً مِنَ الْكِتَابِ إِذَا حُرِّفَ عَنْ مَوَاضِعِهِ.» (نهج البلاغه، خطبه ۱۷)

امام سجاد سلام اللّه علیه: «لا تجعلنی للظالمین ظهیراً و لا لهم علی محو کتابک یدا و نصیرا» (صحیفه سجادیه، دعای ٤٧)

امام صادق سلام اللّه علیه: «اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِكَ مِنْ تَخَلُّفِهِ فِي قُلُوبِنَا وَ تَوَسُّدِهِ عِنْدَ رُقَادِنَا وَ نَبْذِهِ وَرَاءَ ظُهُورِنَا وَ نَعُوذُ بِكَ مِنْ قَسَاوَةِ قُلُوبِنَا لِمَا بِهِ وَعَظْتَنَا» (کافی ج ۲ ص ٥٧٥)

آنچه آمد، قطره‌ای است از دریای سخنان نورانی خاندان نور، که در بارهٔ بی‌توجهی یا بدتوجهی به این کتاب بی‌مانند آسمانی اظهار نگرانی کرده‌اند. این مجال مختصر گنجایش بیش از این ندارد.

٦. خطر برخوردهای منافقانه با دین و آموزه‌ها و ارزشهای آسمانی آن تا بدانجا است که نگرانی عمدهٔ رسول رحمت، از ناحیه آنان است با رنگها و نیرنگهاشان، نه کافران، با وجود تمام کیدهای آنان.

به صراحت بیان فرمود:

إِنِّي لَا أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي مُؤْمِناً وَ لَا مُشْرِكاً؛ أَمَّا الْمُؤْمِنُ فَيَمْنَعُهُ اللَّهُ بِإِيمَانِهِ، وَ أَمَّا الْمُشْرِكُ فَيُخْزِيهِ اللَّهُ بِشِرْكِهِ، وَ لَكِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ كُلَّ مُنَافِقٍ عَالِمِ اللِّسَانِ، يَقُولُ مَا تَعْرِفُونَ وَ يَعْمَلُ مَا تُنْكِرُونَ. (الغارات، ج ۱ ص ۱٥۷)

۷. چرا چنین نگرانی؟ مگر اینان ادّعای مسلمانی ندارند؟ مگر خود را امّت پیامبر نمی‌دانند؟ این چگونگی به عمل نکردن به حدیث ثقلین بر می گردد. در این وصیت جاودانه، حضرتش تمسّک به کتاب و عترت را همراه شمرد، تا قیامت (تمسّکتم بهما). دو انگشت را کنار هم نهاد، تا همگان نیک بدانند که جدایی این دو رشتهٔ الهی از هم پذیرفته نیست.

آنگاه یادآور شد و هشدار داد که در قیامت، از امّت خواهد پرسید که با آنها چگونه رفتار کردند.

۸. این همراهیِ کتاب با پیامبر – و به تبع حضرتش، عترت آن گرامی – حقیقتی است روشن

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.15.58.1.8]

که خداوند در آیات چندی از قرآن نیز به آن گواهی می‌دهد؛ از جمله:

«وَ لَوْ كانُوا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ النَّبِيِّ وَ ما أُنْزِلَ إِلَيْهِ مَا اتَّخَذُوهُمْ أَوْلِياءَ.» (مائده / ۸۱)

به روشنی می‌بینیم که برای پیامبر در کنار قرآن موضوعیت قائل است. این نگرش الهی کجا، و نگرش زمینی برخی از کوته نظران که شأن عظیم پیامبر را در حدّ یک «پیک» فروکاسته‌اند؛ پیکی که کتابی آورده و هیچ جایگاهی جز این ندارد!

۹. واقعیت این است که گروهی سرِ چشمه را به سوء اختیار خود به مطامع نفسانی آلودند، بدترین ناسپاسی را نسبت به والاترین نعمت الهی مرتکب شدند، و این گرامی‌ترین خوان احسان خداوندی را – با علم و عمد – مسموم کردند. این مائدهٔ موهبتی آسمانی را بدین گونه به آیندگان سپردند؛ چنانکه اگر مجاهدات اهل بیت علیهم‌السلام نمی‌بود، همان اتفاق در سطح گسترده می‌افتاد که هم اکنون در فضای دور از خاندان نور افتاده است؛ همان که رسول رحمت فرموده بود: «لا یبقی من القرآن إلّا رسمه و من الإسلام إلّا اسمه.» (کافی ج۸ ص۳۰۸)

محمد بن عبدالکریم شهرستانی متکلّم سدهٔ ششم در تفسیر خود (مصابیح الابرار و مفاتیح الاسرار) با اشاره به آیهٔ شریفهٔ «لتبیّن للناس» (نحل / ٦٤) می‌نویسد که در این آیه جایگاهی برای پیامبر در تبیین قائل شده است، «لتبیّن» فرمود نه «لیتبیّن» تا فردی جاهل را نرسد که «حسبنا کتاب الله» بگوید. آنگاه می‌نویسد که آن مدّعی خلافت و جانشینی پیامبر که چنین سخنی بر زبان راند، چه شأنی برای رسول خدا باقی گذاشت تا ادعای جانشینیِ او کند؟ یکی از طنزهای تلخ تاریخ همین است!

۱۰. شگفتا از اختیار! موهبتی الهی چنین کرامند، و آنگاه سوء استفاده‌ای چنین گسترده! تاریخ اسلام، نمایشی دردآور از مصادیق آیهٔ شریفهٔ «یعرفون نعمة الله ثمّ ینکرونها» (نحل/۸۳) است که نشان می‌دهد چگونه این امت کار زشت امتهای پیشین «یحرّفونه من بعد ما عقلوه و هم یعلمون» (بقره/۷۵) را تکرار کردند.

پیامد این سوء رفتار، آن شد که خداوند حکیم، از پیش خبر داده بود: «قد ضلّوا من قبل و

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.15.58.1.8]

أضلّوا كثيراً.» (مائده/۷۷)

و این قرآیند همچنان – دردا و دریغا – ادامه دارد.

۱۱. این شماره سفینه نیز، در ادامهٔ شمارهٔ پیش، به موضوع مهم «قرآن بسندگی» می‌پردازد؛ یعنی بر نقطه‌ای انگشت نهاده که عامل انحرافی بزرگ در تاریخ اسلام شده و پیام هدایت دین حنیف خاتم را تحت الشعاع خود گرفته و در عمل، بسی انحراف پدید آورده است.

در پرتو این رهنمود ابلیسی چه مایه ضلالت را جامهٔ زیبای هدایت پوشاندند و منافقانه به مردم عرضه کردند.

۱۲. و ما آن روز با شکوه را انتظار می‌کشیم که با ظهور امام مهدی سلام الله علیه، چگونگی‌ای رخ نماید که امام امیرالمؤمنین علیه السلام خبر داده است: «يَعْطِفُ الْهَوَى عَلَى الْهُدَى إِذَا عَطَفُوا الْهُدَى عَلَى الْهَوَى، وَ يَعْطِفُ الرَّأْيَ عَلَى الْقُرْآنِ إِذَا عَطَفُوا الْقُرْآنَ عَلَى الرَّأْيِ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۳۸)

نورانیتی که در پرتو ارائهٔ کتاب خدا بدون تحریف معنوی نصیب بشر می‌شود، چنان جان و دل را به خود می‌کشد که انسان وظیفهٔ خود می‌بیند هر چه در توان دارد، برای این هدف والا در طبق اخلاص نهد.

اللهم عجّل ظهوره و أحیی به کتابک. آمین.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.15.58.1.8]